



## درس ششم

### سنت‌های خداوند

در درس قبل، با حقیقت اختیار و رابطه آن با قضا و قدر الهی آشنا شدیم و دانستیم که قانون‌مندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، تجلی تقدیر الهی و زمینه‌ساز حرکت و پویایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار او می‌شود. در این درس می‌خواهیم با برخی از قانون‌ها و سنت‌های الهی که در زندگی انسان تأثیر بیشتری دارند، آشنا شویم تا با توجه به آنها برنامه‌ریزی کنیم و راه موفقیت را هموارتر سازیم.



فَدَخَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ  
فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا  
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

آل عمران، ۱۳۷

.....  
.....  
.....

آیا مردم می‌پندارند رها می‌شوند؛  
همین که گویند ایمان آوردیم،  
و آزمایش نمی‌شوند؟

أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا  
أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا  
وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

عنکبوت، ۲

کمک می‌کنیم هم به اینان (نیکوکاران)  
هم به آنان (بدکاران) از عطای پروردگارت  
و عطای پروردگارت منعی ندارد

كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ  
وَهُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ  
وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا

اسراء، ۲

آنان که کفر پیشه کرده‌اند تصور نکنند  
اگر به آنان مهلت (بدکاری) می‌دهیم  
به نفع آنهاست  
فقط به این خاطر به آنان مهلت می‌دهیم  
که بر گناهان خود بیفزایند  
درحالی که غذایی خوارکننده برای آنهاست

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا  
أَنْ نَمُنَّ لَهُمْ  
خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ  
إِنَّمَا نُمُنَّ لَهُمْ  
لِيُرَدَّوْا إِلَيْنَا  
وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ

آل عمران، ۱۷۸

و کسانی که آیات ما را انکار کردند  
به تدریج گرفتار عذابشان خواهیم کرد

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا  
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ

مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ  
وَأُمْلَى لَهُمْ  
إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ

اعراف، ۱۸۲ و ۱۸۳

از آن راه که نمی دانند  
و به آنها مهلت می دهم  
همانا تدبیر من استوار است

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ  
فَلَهُ وَعَشْرُ أَمْثَالِهَا  
وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ  
فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا  
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

انعام، ۱۶

.....  
.....  
.....  
.....  
.....

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا  
وَاتَّقَوْا

لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم

بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ  
وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

اعراف، ۹۶

اگر مردم شهرها ایمان آورده  
و به تقوا گراییده بودند،  
همانا برایشان می گشودیم  
برکاتی از آسمان و زمین  
ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختم  
به کیفر آن چه کسب کردند

.....  
.....  
.....

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا  
لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا  
وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

عنکبوت، ۶۹

خَلَّتْ : گذشت

سیروا : جستجو کنید، بگردید

جاء بـ : آورد، بیاورد

سُنن : سنت‌ها  
لَنَهْدِيَنَّهُمْ : حتماً آنان را هدایت می کنیم  
يُجْزَى : جزا داده شود



با تفکر در آیات، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.

۱- حیات فردی و اجتماعی انسان دارای ..... است.

سوره ..... / آیه.....

۲- با مطالعه زندگی ..... می‌توان این ..... به‌دست آورد.

سوره ..... / آیه.....

۳- هرکس ادعای ایمان کند، ..... قرار می‌گیرد. سوره ..... / آیه.....

۴- خداوند به کافران مهلت می‌دهد و آنان از این مهلت .....  
سوره ..... / آیه.....

سوره ..... / آیه.....

۵- برخی انسان‌ها به تدریج گرفتار ..... می‌شوند. سوره ..... / آیه.....

۶- مطابق با ..... الهی، میان پاداش و کیفر ..... وجود دارد.

سوره ..... / آیه.....

۷- مطابق با ..... الهی، رفتار خوب یا بد انسان‌ها ..... تأثیر دارد.

سوره ..... / آیه.....

۸- رحمت و اسعۀ الهی به همهٔ افراد جامعه، چه نیکوکار و چه بدکار، .....  
سوره ..... / آیه.....

سوره ..... / آیه.....

۹- خداوند کسانی را که در راه او قدم بردارند، به‌طور خاص ... می‌کند.

سوره ..... / آیه.....

## سنت‌های الهی

بر اساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانون‌مندی است و پدیده‌های جهان در دایرهٔ قوانین خاصی حرکت می‌کنند و مسیر تکاملی را می‌پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این قوانین، اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را هم دربر می‌گیرد. قرآن کریم از این قوانین با عنوان «سنت‌های الهی» یاد کرده و انسان‌ها را به شناخت آنها، به‌خصوص سنت‌های مربوط به زندگی انسان‌ها دعوت نموده است.

پیام شماره

شناخت قوانین جهان خلقت سبب آشنایی ما با نشانه‌های الهی و درک عظمت خالق آنها و نیز بهره‌مندی از طبیعت می‌شود. اما شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، موجب تنظیم درست رابطهٔ انسان با خود، دیگران، جهان خلقت و خداوند می‌گردد و راه رسیدن به کمال را هموار می‌کند. برخی

از این سنت‌ها عبارتند از :

**۱- امتحان و ابتلاء:** این سنت، مربوط به چگونگی و فرایند رشد و تکامل انسان و عامل ظهور و بروز استعدادهای اوست. هر انسان انتخابگری برای این که نیت و تمایل درونی خود را نشان دهد و نتیجه آنچه را برگزیده است، آشکارا مشاهده کند، همواره در معرض امتحان و آزمایش است. نیز کسی که ایمان خود به خداوند و راه هدایت الهی را اعلام می‌کند، وارد آزمایش‌های ویژه و امتحان‌های خاص می‌گردد. همه انسان‌ها در طول عمر خود در معرض آزمایش‌اند و پیروزی یا شکست در این آزمایش‌ها، سبب جدا شدن انسان‌های خوب از بد و ساخته شدن و تکامل، یا خسران و عقب ماندگی آنها می‌گردد. اگر پیروز شویم به مرحله بالاتر راه می‌یابیم و با امتحان جدیدتری روبه‌رو می‌شویم. درست مانند دانش‌آموزی که در طول هر سال آزمایش می‌شود تا به کلاس بالاتر راه یابد.

پیام شماره

امام صادق علیه السلام می‌فرماید :

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ  
بِمَنْزِلَةِ كَفَّةِ الْمِيزَانِ،  
كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ  
زِيدَ فِي بَلَاءِهِ  
به راستی که مؤمن  
به منزله کفه ترازوست  
هر اندازه ایمانش افزوده شود،  
امتحانش نیز سنگین‌تر می‌شود

\* کسی که می‌داند حوادث زندگی برای ابتلاء و امتحان و برای رشد و تکامل انسان است، در مواجهه با این حوادث چگونه برخورد می‌کند؟

- ۱- .....
- ۲- .....
- ۳- .....



**۲- امداد الهی:** در برابر دعوت انبیاء، مردم دو دسته می‌شوند: دسته‌ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند و دسته‌ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می‌ایستند. سنت الهی این است که هر کس با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند، شرایطی برای او فراهم شود

که در مسیری که انتخاب کرده، به پیش رود و سرشت خود را آشکار کند. یعنی خداوند برای هر دو گروه امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌هایشان را فراهم می‌کند. در حقیقت، کسی که راه حق را برمی‌گزیند، مورد لطف خداوند قرار می‌گیرد و مراتب کمال را می‌پیماید و افرادی که فقط خواهان دنیا هستند و برای آن می‌دوند، آن را به دست می‌آورند. البته اینان عواقب زیانبار این تصمیم را در آخرت مشاهده خواهند کرد.<sup>۱</sup> بنابراین روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناه‌کار نشانه لطف خداوند به آنان نیست. زیرا از نعمت بی‌پایان الهی محروم مانده‌اند.

پیام شماره

**۳- توفیق الهی:** امداد خاص خدای متعال نسبت به آنان که با نیت پاک، قدم در راه حق گذارند و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف خود قرار دهند، «توفیق الهی» نام دارد. یعنی همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می‌دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند آسان‌تر به مقصد برسد.

یکی از جلوه‌های این توفیق، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است. خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می‌کند، دست او را می‌گیرد و با پشتیبانی خود به پیش می‌برد.

پیام شماره

در حقیقت، انسان حق‌گرا، خود را با نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است، هماهنگ کرده و در نتیجه نظام خلقت به او کمک می‌کند و یک قدمش به اندازه ده‌ها قدم نتیجه می‌دهد. برای مثال، قرآن کریم وعده می‌دهد که بیست نفر یا صد نفر انسان تقواپیشه و شکیب‌بر دوست نفر یا هزار نفر از کفار پیروز می‌شوند.<sup>۲</sup>

**۴- املاء و استدراج:** آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق عناد و دشمنی می‌ورزند، خداوند به آنها مهلت و فرصت زندگی می‌دهد ولی آنها این فرصت را وسیله غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها قرار می‌دهند؛ به طوری که اگر در ابتدا اندک امیدی وجود داشت که نور حقی در دل آنها بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار خواهند شد. در حقیقت، مهلت‌ها و امکانات، با اختیار و اراده خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر شده و باعث می‌شود که بار گناهان آنان هر روز سنگین و سنگین‌تر شود. این سنت، که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی گناه‌کاران است، سنت «املاء» یا «امهال»<sup>۳</sup> نام دارد.

پیام شماره

گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن، بر امکانات گمراهان می‌افزاید و آنها با استفاده از همین امکانات، و با اصرار خود بیشتر در فساد فرو می‌روند و قدم به قدم از انسانیت فاصله گرفته، و به تدریج

۲- انفال، ۶۵

۱- اسراء، ۱۸ تا ۲۰

۳- املاء و امهال به معنای مهلت دادن است.

به سوی هلاکت ابدی نزدیک تر می شوند. چنین حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی را سنت «استدراج» می خوانند.

پیام شماره



\* برخی از مردم که با سنت های الهی آشنایی ندارند، روی آوردن امکانات به گناه کاران را چگونه تحلیل می کنند؟ و دچار چه حالتی می شوند؟

اما درک درست این موضوع، ما را به سوی چه تحلیلی هدایت می کند؟

**۵- تفاوت در پاداش و کیفر:** با آنکه براساس عدل، خداوند باید به همه بندگان براساس میزان اعمالشان پاداش یا جزا دهد، اما از آن جا که خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می کند، کار نیک را چند برابر و کار بد را فقط به اندازه خودش پاداش و جزا می دهد.

پیام شماره

**۶- تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت:** رهنمودهای پیشوایان دین به ما می آموزند که زندگی ما به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست. به طور مثال، نیکوکاری یا گناه از جمله عوامل مؤثر در طول عمر یا کوتاهی آن هستند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

کسانی که به واسطه گناه می میرند

مَنْ يَمُوتُ بِالدُّنُوبِ

از کسانی که به واسطه سرآمد

أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ

عمرشان می میرند، بیشترند.

و کسانی که به سبب نیکوکاری زندگی

وَمَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ

دراز دارند،

از کسانی که به عمر اصلی زندگی

أَكْثَرُ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ

می کنند، بیشترند.<sup>۱</sup>

دعا نیز می‌تواند سبب بسیاری از خوبی‌ها و مانع بسیاری از بلاها گردد، البته در صورتی که دعا با شرایط واقعی آن انجام شود و چیزی که انسان از خداوند درخواست می‌کند، در نهایت به ضرر او تمام نشود.

این سنت، یک سنت اجتماعی نیز هست. جامعه‌ای که در مسیر خوبی‌ها گام بردارد، درهای رحمت الهی را به روی خود می‌گشاید و جامعه‌ای که به گناه آلوده شود، به برخی عذاب‌ها گرفتار خواهد شد.

پیام شماره



\* اکنون که با برخی از مهم‌ترین سنت‌های خداوند آشنا شدیم، لازم است برای حرکت درست در بستر این سنت‌ها و بهره‌مندی مطلوب از آنها به سؤال‌های زیر پاسخ دهیم و مطابق با پاسخ‌های خود برنامه‌ریزی کنیم.

۱- برای این‌که از سنت امتحان و ابتلاء موفق بیرون آییم چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

..... الف)

..... ب)

..... ج)

۲- برای این‌که شکل مثبت امداد الهی نصیب ما شود و بهره‌مند از توفیق الهی گردیم چه برنامه‌هایی را پیشنهاد می‌دهید؟

..... الف)

..... ب)

..... ج)

۳- چگونه تشخیص دهیم گرفتار املاء و استدراج نشده‌ایم؟

.....

.....

.....





«انتخاب» دشوارترین لحظات برای انسان است.

وقتی «لحظه انتخاب» فرا می‌رسد، وسوسه‌ها و تردیدها هم به سراغ تو می‌آیند، و آن «جلوه» ای را که در یک «برق معنویت» دیده‌ای، از نظر و نگاهت محو می‌سازند.

«چگونه بودن» یکی از همین انتخاب‌های دشوار است.

شخصیت تو در گرو همین تصمیم‌ها و برگزیدن‌هاست. این تویی که خمیر مایه «هستی» خود را، با دو دست «انتخاب» خویش، شکل می‌دهی و می‌سازی. یک شب، در خلوت خویش، روبه آینه حقیقت بنشین و با خودت، بی واسطه و بی‌ریا حرف بزن. تو کیستی؟ چپستی؟ کجایی؟ چه می‌کنی؟ چگونه‌ای؟ تو مختاری؛ پس ناچار باید انتخاب کنی. بزرگی آدم‌ها به بزرگی انتخاب‌های آنهاست. تو می‌خواهی بزرگ باشی یا کوچک؟ این دیگر با خودت توست، اما این را هم بدان که انتخاب تو همواره با توست، تا ابد، تا همیشه!

A decorative floral wreath with a central white square containing text. The wreath is composed of various flowers and leaves in shades of purple, blue, and green, arranged in a circular pattern. The central square is white and contains the text "مرحله دوم" (Stage 2), "پایداری در" (Sustainability in), and "عزم" (Commitment) in black Persian script.

مرحله دوم  
پایداری در  
عزم



## درس هفتم بازگشت

خدای متعال به حضرت داود عليه السلام فرمود:

ای داود، اگر روی گردانان از من چگونگی انتظارم برای آنان، مدارایم با آنان و اشتیاق مرا به ترک معصیت‌هایشان می‌دانستند، بدون شک از شوق آمدن به سوی من می‌مردند و بندبند وجودشان از محبت من از هم می‌گسست.<sup>۱</sup>

تصمیم‌های جدید همواره برای تکمیل پیمان‌های قبلی و پیمودن ادامهٔ راه نیست. بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیانباری برجای گذاشته است. این‌گونه تصمیم‌ها «توبه» نام دارد. در این درس می‌خواهیم بدانیم توبه چیست؟ و بازگشت حقیقی چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱- میزان‌الحکمه، ج ۴، محمد محمدی ری‌شهری، ص ۲۷۹۷

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا  
أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ  
ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ  
يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا  
نساء، ۱۱

فَمَنْ تَابَ  
مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ  
وَاصْلَحَ  
فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ  
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ  
مائده، ۳۹

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ  
وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا  
فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ  
سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ  
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا  
فرقان، ۷

يَجِدِ اللَّهَ : بيابد خدا را  
يُتَبَدَّلُ : تبديل می کند

سوء : کار بد  
اصْلَحَ : اصلاح کرد

## عبد یا آزاد

صدای ساز و آواز بلند بود. هرکس که از نزدیک آن خانهٔ باشکوه می‌گذشت، می‌توانست حدس بزند که در درون خانه چه خبر است! بساط عیش و میگساری پهن بود و جام شراب پیاپی نوشیده می‌شد.

زنی که در آن خانه خدمت می‌کرد، بیرون آمد تا زباله‌ها را در کناری بریزد. در همین لحظه مردی که آثار عبادت از چهره‌اش نمایان بود، از آنجا می‌گذشت. از آن زن پرسید:

صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟

زن گفت: آزاد. صاحب چنین خانه‌ای که بنده نیست.

آن مرد گفت: معلوم است که آزاد است. اگر بنده می‌بود حرمت مالک و صاحب خود را نگه می‌داشت و این بساط را پهن نمی‌کرد.

رد و بدل شدن این سخنان موجب شد که خدمتکار مکث زیادتری در بیرون خانه بکند. هنگامی که برگشت، اربابش پرسید: «چرا دیر آمدی؟»

خدمتکار ماجرا را تعریف کرد و گفت: «مردی با چنین وضع و هیئتی می‌گذشت و چنان پرسشی کرد و من چنین پاسخی دادم.»

شنیدن ماجرا او را چند لحظه در اندیشه فروبرد. جملهٔ «اگر بنده می‌بود، حرمت مالک و صاحب خود را نگه می‌داشت» چون تیری بر قلبش نشست و او را تکان داد. بی‌اختیار از جابرجاست و به خود مهلت کفش پوشیدن نداد. با پای برهنه به دنبال گویندهٔ سخن رفت. دوید تا خود را به وی رساند. به دست امام هفتم حضرت موسی علیه السلام توبه کرد و تا زنده بود به پیمان خویش وفادار ماند. بُسّری حارث که تا آن روز در زمرهٔ اشراف زادگان و عیاشان بود، در سِلک مردان پرهیزگار و خداپرست درآمد.<sup>۱</sup>

## انقلاب علیه خود

در میان موجودات پیرامون ما، گیاهان، به میزانی اندک، و حیوان‌ها، قدری بیشتر، می‌توانند در برابر موانع بیرونی جهت خود را تغییر دهند و مسیر حرکت را عوض کنند. اما هیچ کدام از این‌ها توانایی آن را ندارند که علیه خود و تمایلات درونی کاری انجام دهند.

انسان، تنها موجودی است که هم می‌تواند با گناه به خود ستم کند و هم علیه خواسته‌های زشت خود قیام کند و انقلاب نماید.

۱- داستان راستان، استاد شهید مرتضی مطهری، داستان ۴۴



.....  
با توجه به آنچه در سال‌های قبل درباره «نفس اماره به بدی» و «نفس لوّامه» و «خوددانی» و «خودعالی» آموخته‌اید، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱- کدام یک از آیات ابتدای درس درباره ظلم به خود می‌باشد؟

۲- چگونه انسان به خود ظلم می‌کند؟

۳- انقلاب علیه خود چگونه است؟ کدام خود علیه کدام خود انقلاب می‌کند؟  
.....  
.....  
.....

.....  
توانایی انقلاب علیه خود چه کاربردی دارد و در کجا باید از آن استفاده کرد؟

وجود ما با گرایش به خدا و محبت به او و گرایش به زیبایی‌ها و کمالات متعالی سرشته است. همه ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می‌کنیم و رشته محبتی را که او بر گردن ما بسته است، می‌یابیم. «خدایی» شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست. البته گرایش و شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست. او با لطف و مهربانی بی پایان خود همه ابزارهای رستگاری و کمال را برای ما مهیا ساخته و کوچک‌ترین همت ما را با پاداش‌های بزرگ پاسخ می‌دهد. کافی است ما قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید. او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.

## ناسپاسی

با وجود چنین رابطه‌ای میان خالق و مخلوق، گاهی آدمی حرمت خدای خود را می‌شکند، گام در مسیر ناسپاسی می‌گذارد و خود را به گناهان آلوده می‌کند و از مسیر رستگاری دور می‌شود. گاهی نیز حرمت شکنی به تدریج افزایش می‌یابد و دامنه گناه آنچنان گسترده می‌شود که چراغ عقل و فطرت به خاموشی می‌گراید؛ در این صورت، جهت الهی زندگی عوض می‌شود و آدمی، پشت به خدا، به سویی که شیطان و سوسه‌اش می‌کند، قدم برمی‌دارد.

اگر انسان هنگامی که اولین گناهان را مرتکب می‌شود، شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود را ببیند، به شدت از آن بیزاری می‌جوید و دوری می‌کند. اما پس از آن که در آن گرفتار آمد و



خود را بدان عادت داد، آن تنفر اولیه را نیز فراموش می کند. «توجه» گناه و «عادت» به آن، از پرتگاه های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است.

میزان تأثیر گناهان یکسان نیست. برخی گناهان تأثیرشان ضعیف، و برخی شدید و شدیدتر است. گناهان بزرگ به سرعت آدمی را از مسیر توحید و اخلاص خارج و گرفتار شیطان و هوس های شیطانی می کند. دروغ، ظلم به مردم، پذیرش ظلم و پشتیبانی از ظالم، کسب مال حرام، فسادهای اخلاقی، شراب خواری، روابط نامشروع جنسی، تهمت، ترک عبادت هایی چون نماز و روزه از این قبیل گناهان هستند. برخی از این ها، هم زندگی دنیایی فرد را تباه می کنند، هم در نسل های آینده او اثر می گذارند و هم عذاب های شدید اخروی را در پی دارند.

نکته تلخ تر و رنج آورتر، غفلت از نگاه خداوند به انسان ها، در هنگام ارتکاب گناه است. آیا می شود در زیر نگاه خدای بینا، دست به گناه آلوده کرد اما ردپایی از شرمساری و خجالت در قلب آدمی ظاهر نشود؟ چگونه جرأت می کنیم و چنین اجازه ای به خود می دهیم؟!

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود:

چنان از خدا خوف داشته باش که گویی او را می بینی. پس اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند. اگر فکر کنی او تو را نمی بیند، کفر ورزیده ای و اگر بدانی که او تو را می بیند و در عین حال در مقابل او گناه می کنی، او را خوارترین بینندگان به خود قرار داده ای!

\* حالت خود را هنگام نافرمانی ها و خطاهایی که گاهی مرتکب می شوید، بررسی کنید و ببینید:

۱- به کدام خطا عادت کرده اید و علت آن چیست؟

۲- آیا به آثار سوء آن خطا آشنا هستید و می دانید چه اثری بر جای می گذارد؟

۳- هنگام انجام آن خطا، چه حالتی در پیشگاه خداوند دارید؟



## حقیقت توبه

توانایی انقلاب علیه خود که حاصل پشیمانی از گذشته است، به انسان امکان می دهد راه رفته را باز گردد و فرصت های از دست داده را جبران نماید. این موهبت بسیار گرانبهائی است که خداوند به بندگان هدیه کرده و دروازه رحمتی است که بر روی بندگان گشوده و نام آن را «توبه» گذاشته است. توبه یعنی بازگشت و در مورد بندگان به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان برداری از خداوند است. البته این کلمه در قرآن کریم برای خداوند هم به کار می رود که در این صورت، به معنای بازگشت لطف و آمرزش الهی به انسان توبه کار است.

در آیه ۳۹ سوره مائده تفکر کنید و به سؤال های زیر پاسخ دهید:

۱- در این آیه چه نامی به گناه داده شده است؟

۲- چرا خداوند این نام را به گناه داده است؟

۳- برای رسیدن به مرحله آمرزش، چه مراحل باید طی شود؟



## توبه و پاکی

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی هاست. توبه گناهان را از قلب خارج می کند و آن را شست و شو می دهد. این عمل را «پیرایش» یا «تخلیه» می گویند.  
امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

توبه دل ها را پاک می کند  
و گناهان را می شوید

التَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ  
وَتَغْسِلُ الذُّنُوبَ

به همین دلیل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

کسی که از گناه توبه کرده  
مانند کسی است که گناه نکرده است.<sup>۱</sup>

التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ  
كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ

۲- همان، ص ۱۲۶

۱- مستدرک الوسائل، میرزانوری، ج ۱۲، ص ۱۲۹



توبه نه تنها گناه را پاک می کند، بلکه به کمک ایمان و عمل صالح، گناهان را به حسنات تبدیل می سازد.

در آیات ابتدای درس تفکر کنید و به سؤال های زیر پاسخ دهید:  
۱- کدام یک از این آیات دربارهٔ تبدیل گناهان به نیکی هاست؟



۲- با چه شریطی این تبدیل صورت می گیرد؟

## مراحل توبه

توبه صرفاً یک کار ظاهری و لفظی نیست، بلکه تحوّل درونی و قلبی است که آثار گناه را محو می کند. این تحوّل درونی بنا بر کلام امام علی علیه السلام دارای مراحل زیر است:<sup>۱</sup>

**مرحلهٔ اول: پشیمانی از گذشته** پشیمانی حالتی درونی است که شخص را دچار اندوه و حسرت می کند و شیرینی گناه را به تلخی تبدیل می سازد. تا وقتی شیرینی گناه در جان آدمی باقی است و از خاطرهٔ آن احساس لذت می کند، توبه آغاز نشده است. آمده است که یکی از پیامبران برای قبول توبهٔ فردی از بنی اسرائیل، به درگاه خداوند شفاعت کرد. خدای متعال به او فرمود: «به عزتم سوگند اگر همهٔ اهل آسمان ها و زمین برای وی شفاعت کنند، تا زمانی که شیرینی گناه در دلش باقی است، توبه اش را نپذیرم.»<sup>۲</sup>

توبه بر لب، سُبْحه<sup>۳</sup> بر کف، دل پر از شوق گناه  
معصیت را خنده می آید ز استخفار ما<sup>۴</sup>

روشن است که اگر انسان، پس از انجام توبه، هنوز از گناه خود خوشش بیاید و از آن احساس لذت کند، در واقع هنوز پشیمان نشده و صرفاً ادعای پشیمانی کرده است. این مرحلهٔ توبه معمولاً با استغفار همراه است و انسان توبه کار با عبارت هایی مانند «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» پشیمانی خود را ابراز می کند.

۲- کنز العمال، ح ۱۷۴، ۱۰

۴- صائب تبریزی

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۱۷

۳- سُبْحه: تسبیح



\* برای رسیدن به حالت پشیمانی پس از گناه، ابتدا پیش‌نهادهای خود را مطرح کنید و سپس پیش‌نهادهای مؤثرتر را انتخاب نمایید.

**مرحله دوم: تصمیم بر تکرار نکردن گناه** قدم دوم در توبه آن است که شخص تائب، تصمیم جدی بر ترک گناه بگیرد. اظهار ندامت ظاهری و گفتن کلمه استغفار، در حال تکرار مداوم گناه، نه تنها پذیرفته نیست، بلکه استغفار را بی‌خاصیت می‌کند. اثر بدتر چنین استغفاری در کلام امام رضا علیه السلام آمده که فرموده است:

الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ      کسی که از گناه استغفار کند  
وَيَفْعَلُهُ      و در عین حال، انجامش دهد  
كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ      مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است.<sup>۱</sup>



\* برای اینکه حالت پشیمانی، به تصمیم و ارادهٔ محکم بر ترک گناه بینجامد، چه راه‌حلهایی را پیش‌نهادهای شما می‌دهید؟

**مرحله سوم: جبران حقوق مردم** با این که با دو مرحلهٔ قبل، عادت به گناه از بین می‌رود، اما برخی از گناهان را که به حق الناس مربوط بوده، جبران نمی‌کند. از این رو فرد باید ستمی را که بر مردم کرده جبران نماید و حقوق مادی یا معنوی آنها را در حد توان ادا کند و رضایت صاحبان حق را به دست آورد و اگر به آنان دسترسی ندارد، در حق آنان صدقه دهد و برایشان دعای خیر نماید. توجه کنیم که حقوق مردم منحصر در حقوق مادی آنها نیست، مردم بر یکدیگر حقوق معنوی هم دارند که بسیار مهم‌تر از حقوق مادی است. اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبروی انسانی ریخته شده، اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی‌حرمتی فرزندی شکسته شده، اگر با توزیع کتاب یا فیلم گمراه‌کننده، فساد و تباهی در جامعه گسترش یافته، اگر رفتار ناپسند برخی افراد سبب بدبینی دیگران به دین شده، در واقع حقوق معنوی افراد ضایع شده است و باید فرد توبه‌کننده با تمام وجود به جبران حقوق از دست رفته بپردازد.

۱- کافی، ج ۲، کتاب الدعاء، ص ۵۰۴

## مرحله چهارم: جبران حقوق الهی حق دیگر، حق خداوند بر مردم است که مهم ترین آن، حق

اطاعت و بندگی اوست. توبه کننده باید بکوشد کوتاهی های خود در پیشگاه خداوند را جبران کند، برای مثال، نمازها یا روزه های از دست داده را قضا نماید و عبادت های ترک شده را به جا آورد. البته خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است و اگر ببیند که شخص توبه کار حداکثر تلاش خود را کرده و نتوانسته همه گناهان را جبران کند، بقیه موارد را خود جبران و او را عفو می کند.<sup>۱</sup>

\* رفتار و اخلاق خود را ارزیابی کنید و ببینید به کدام یک از حقوق خداوند و مردم کمتر توجه کرده اید. آنها را یادداشت کنید و برای جبران آن برنامه ریزی نمایید.



## توبه اجتماعی

همان طور که توحید عبادی دو جلوه دارد، جلوه ای در فرد و جلوه ای در جامعه، توبه نیز این گونه است. آن چه تاکنون گفته شد، مربوط به توبه فردی بود. اما اگر جامعه ای در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شود، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی است؛ یعنی نیازمند توبه است.

انحراف های اولیه اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند تا گسترش نیابند و ماندگار نشوند. رباخواری، رشوه گرفتن، بی توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم پذیری و اطاعت از غیر خدا، از جمله این بیماری ها و انحراف هاست.

راه اصلاح و معالجه جامعه از این بیماری ها انجام دادن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است. اگر مردم در انجام این وظیفه کوتاهی کنند، گناهان اجتماعی، قوی تر و محکم تر می شوند و تمام سطوح جامعه را در بر می گیرند. در واقع اگر مردم در برابر اولین نمودهای گناه حساسیت نشان دهند و در برابر آن بایستند و بکوشند که جامعه را به وضع اعتدال باز گردانند، به آسانی می توانند مانع گسترش آن شوند. اما اگر مردم کوتاهی کنند و اقدامات دلسوزان جامعه به جایی نرسد و به تدریج انحراف از حق ریشه بدواند، اصلاح آن مشکل می شود و تلاش های بزرگ و فعالیت های ایثارگرانه می طلبد؛ تا آن جا

۱- امیرمؤمنان علیه السلام برای کسانی که بخواهند در ردیف اولیای بزرگ الهی قرار گیرند و به مقام «علیین» برسند. دو مرحله دیگر بیان می فرماید که عبارت است از: پنجم: گوشتی که از حرام بر تن انسان روییده، با حزن و اندوه آب شود تا پوست به استخوان بچسبد و گوشت جدید در زیر پوست روییده شود. ششم: انسان توبه کار، زحمت و سختی عبادت را به بدن بچسباند، هم چنان که شیرینی گناه را چشاند بود.

که ممکن است نیاز باشد انسان‌های بزرگی جان و مال خود را تقدیم کنند تا جامعه را از تباهی مطلق برهانند و مانع خاموشی کامل نور هدایت شوند.

برای مثال، اگر آن زمان که امیر مؤمنان علی علیه السلام برای کوتاه کردن دست معاویه از حکومت اقدام کرد، مسلمانان به طور دسته جمعی از ایشان حمایت می کردند و اگر پس از شهادت ایشان، مردم به طور همه جانبه از امام حسن علیه السلام پیروی می نمودند و اگر مردم در مقابل نصب یزید به خلافت اعتراض می کردند و زیر بار نمی رفتند، انحراف از اسلام آنقدر عمیق و گسترده نمی شد که لازم باشد امام حسین علیه السلام و خانواده و یارانش، برای جلوگیری از نابودی اسلام، خود را فدا کنند.

## تا چه زمانی برای توبه کردن مهلت داریم؟

پاسخ این سؤال را با ذکر کلامی از امیر مؤمنان آغاز می کنیم؛ آن حضرت در پاسخ کسی که از او موعظه ای درخواست کرد، فرمود :

«از کسانی مباش که بدون عمل دل به آخرت بسته و به واسطه آرزوی طولانی، توبه را به تأخیر انداخته است؛ درباره دنیا زاهدانه سخن گوید، اما هم چون دنیا دوستان عمل کند...»<sup>۱</sup>

در پاسخ به سؤال بالا می گوئیم، گرچه تمام طول عمر ظرف زمان توبه است و تا لحظه مرگ می توان توبه کرد<sup>۲</sup>، اما بهترین زمان برای توبه، دورانی است که توبه آسان تر و جبران گذشته راحت تر است. بر این اساس، باید به چند نکته توجه کنیم.

**۱- از آن جا که دوره جوانی دوره انعطاف پذیری، تحوّل و دگرگونی و دوره پیری دوره کم شدن انعطاف، تثبیت خوی ها و خصلت ها است، اگر در دوره جوانی خصلت هایی در انسان پدید آمد، خارج کردن آن خصلت ها در پیری بسیار سخت و طاقت فرسا خواهد بود. خصلت های ناپسندی که در ما پدید می آیند، شبیه طناب هایی هستند که بر پای انسان بسته می شوند یا شبیه تورهایی هستند که آدمی را در دام خود گرفتار می سازند؛ هر قدر که زمان می گذرد، آن طناب ها و تورها محکم تر می شوند و اراده آدمی ضعیف تر می گردد و پاره کردن آنها بسیار سخت و گاه نزدیک به محال می شود.**

**۲- خوش گذرانی در دوره جوانی به امید توبه کردن در دوران پیری، حيلة خطرناک شیطان است. زیرا :**

**اولاً، پیری محصول کشت جوانی است. چند نفر گناه کار سراغ دارید که در پیری توانسته باشند**

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴۰، کتاب ایمان و کفر

خود را متحول سازند؟ هرکس در پیرامون خود بنگرد می بیند که چنین افرادی بسیار نادر و محدودند. ثانیاً، چه تعداد از آدم‌های گناه‌کار به پیری رسیده‌اند تا فرصت توبه پیدا کنند؟ ثالثاً، فریب بزرگ شیطان این است که لذت گناه را برتر از خوشی و لذت اطاعت از فرمان الهی جلوه می‌دهد. آدم‌های زیرک و هوشیار، گول این فریب را نمی‌خورند. آنان که خوشی و لذت را از راه گناه جست‌وجو می‌کنند، در همان حال لذت گناه، با نگرانی‌های روحی و روانی درگیر می‌شوند که نمی‌گذارند لذت گناه کام آنان را شیرین کند. اما چون از حقیقت مطلب غافلند، برای رفع آن رنج‌های روحی و روانی، خود را سرگرم گناهان بزرگ و بزرگ‌تر می‌کنند تا این که سرانجام به‌طور کامل در منجلاب فساد غرق می‌شوند و راهی برای بیرون آمدن نمی‌یابند. اما خداوند برنامه زندگی را برای مؤمنان به‌گونه‌ای تنظیم کرده که هم از لذت‌های عالی معنوی برخوردار شوند و هم بی‌دغدغه گناه و به دور از رنج‌های روانی، از لذت‌های مادی و طبیعی نیز بهره ببرند.

### امام خمینی رحمه الله علیه می‌گوید :

«بهارِ توبه، ایام جوانی است، که بار گناهان کمتر و کدورت قلبی و ظلمت باطنی ناقص‌تر و شرایط توبه سهل‌تر و آسان‌تر است. انسان در پیری، حرص و طمع و حب جاه و مال و طول آرزویش بیشتر است، و این به تجربه ثابت شده است و حدیث شریف نبوی شاهد بر آن است. فرض کنیم که انسان بتواند در ایام پیری به توبه قیام کند، از کجا به پیری برسد و اجل موعود، او را در سن جوانی و در حال اشتغال به نافرمانی نریاید و به او مهلت دهد؟...»

پس ای عزیز، از کیدهای شیطان بترس و در حذر باش، و با خدای خود مکر و حيله مکن که پنجاه سال یا بیشتر شهوت‌رانی می‌کنم و دم مرگ با کلمه استغفار جبران گذشته می‌کنم؛ این‌ها خیال خام است. اگر در حدیث دیدی یا شنیدی که حق تعالی بر این امت لطف فرموده و توبه آنها را تا قبل از مشاهده آثار مرگ یا خود آن قبول می‌فرماید، صحیح است؛ ولی هیبت که در آن وقت توبه از انسان سرزند! مگر توبه لفظ است؟! اقدام به توبه زحمت دارد؛ برگشت و عزم بر برگشت نکردن، ریاضت‌های علمی و عملی لازم دارد، ... چه بسا باشد که قبل از فکر توبه یا عملی کردن آن، اجل مهلت ندهد و انسان را با بار معصیت‌های سنگین و ظلمت بی‌پایان گناهان، از این جهان منتقل نماید. آن وقت خدا می‌داند که انسان به چه گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها دچار می‌شود ... پس ای عزیز، هرچه زودتر دامن همت به کمر بزن و عزم رامحکم و اراده را قوی کن و



از گناهان، تا در سن جوانی هستی یا در حیات دنیایی به سر می‌بری، توبه کن و مگذار فرصت خداداد از دستت برود؛ به تسویلات<sup>۱</sup> شیطانی و کیده‌های نفس‌آماره اعتنا مکن.<sup>۲</sup> مولوی، دربارهٔ کسی که فریب شیطان را می‌خورد و توبه را به تأخیر می‌اندازد، مثال زیر را می‌زند :

همچو آن شخصِ درشتِ خوشِ سُخُن  
در میانِ ره نشانَد او خارِ بُن  
هر دمی آن خارِ بُن افزون شدی  
پای خلق از زخم آن پر خون شدی  
جامه‌های خَلق بدریدی ز خار  
پای درویشانِ بَخستی زار زار  
چون به جد حاکم بدو گفت این بگن  
گفت آری برکنم روزِ بیش من  
مدتی فردا و فردا وعده داد  
شد درختِ خارِ او محکم نهاد  
گفت روزی حاکمش ای وعده کز  
پیش آ در کار ما واپس مَغز  
تو که می‌گویی که فردا، این بدان  
که به هر روزی که می‌آید زمان  
آن درختِ بد جوان تر می‌شود  
وین کَننده پیر و مضطر می‌شود  
خار بُن در قوت و برخاستن  
خارکن در پیری و در کاستن  
خار بُن هر روز و هر دم سبزتر  
خارکن هر روز زار و خشک‌تر  
او جوان تر می‌شود تو پیرتر  
زود باش و روزگار خود ببَر

مثنوی مولوی / دفتر دوم

۱- تسویل : اغوا کردن، به گمراهی افکندن، آراسته و زیبا جلوه دادن

۲- شرح چهل حدیث، امام خمینی (رحمة الله علیه)، ص ۲۷۳، با ساده‌سازی برخی کلمات و عبارات



- .....
- ۱- به آیه ۳۹ سوره مائده نگاه کنید و ببینید که در هنگام توبه، علاوه بر بازگشت انسان گناهکار چه بازگشت دیگری مطرح شده است و آن بازگشت نتیجه چیست؟
- ۲- در هر سه آیه ای که در ابتدای درس آمده دو صفت برای خداوند ذکر شده است، آن دو صفت کدامند؟ چه رابطه ای میان آن دو صفت و توبه وجود دارد؟
- ۳- مهم ترین ناسپاسی از خداوند چیست؟ و چه موقع انسان دست به چنین ناسپاسی می زند؟
- ۴- بنابر سخن امام صادق علیه السلام، برای اینکه انسان به سمت گناه نرود، باید چه دیدگاهی درباره خدا داشته باشد؟
- ۵- بنابر سخن امیر مؤمنان، چه چیزی قلب ها را پاک می کند و گناهان را می شوید؟
- ۶- بنابر سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله شخص توبه کننده مانند چه کسی است؟
- ۷- آیا برای توبه کردن پشیمانی از گذشته کافی است؟ در غیر این صورت، چه کارهای دیگری باید انجام شود؟
- .....



- .....
- \* ۱- آیات ۵۰ تا ۶۰ و ۸۴ تا ۹۵ سوره هود را مطالعه کنید و ببینید که چه عاملی باعث شد قوم عاد و قوم مدین گرفتار عذاب شوند.
- ۲- مناجات التائبین را در کتاب «مفاتیح الجنان» بخوانید و به سؤال های زیر پاسخ دهید:
- الف) گناه چه آثاری در وجود انسان باقی می گذارد؟
- ب) چه اموری است که جز خداوند، دیگری توان انجام آن را ندارد؟
- ج) خداوند چه راهی پیش پای گناه کار قرار داده که راه عذر آوردن را بر او بسته است؟
- .....